خبر

به دستور آیت‌الله لاریجانی اعطا شد

مرخصی زندانیان به مناسبت فرارسیدن لیالی قدر

● **روابط‌عمومی قوه قضائیه:** آیت‌الله آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه با صدور بخش‌نامه‌ای به واحدهای قضائی و دادسراهای سراسر کشور دستور داد به زندانیان محکوم با رعایت شرایط و اخذ تأمین مناسب ۱۵ روز مرخصی داده شود. در این بخش‌نامه آمده است: «به مناسبت فرارسیدن لیالی قدر و درپیش‌بودن عید سعید فطر و با توجه به آثار مثبت و سازنده حضور زندانیان در کنار خانواده و به‌منظور نیل به اهداف عالی در بازسازی اجتماعی و اخلاقی زندانیان و نیز برقراری روابط عاطفی بین زندانیان و اعضای خانواده آنها مقتضی است به زندانیان محکوم با رعایت شرایط ذیل و اخذ تأمین مناسب ۱۵ روز مرخصی داده شود، این مرخصی به مدت ۱۵ روز دیگر نیز قابل‌تمدید خواهد بود.

الف) زندانیان محکوم به حبس:

۱- محکومین به حبس ابد به شرط تحمل حداقل پنج سال حبس

۲- محکومین به حبس بیش از ۱۰ سال به شرط تحمل حداقل یک سال حبس

۳- محکومین به حبس از پنج تا ۱۰ سال به شرط تحمل شش ماه حبس

۴- محکومین به حبس از یک سال تا پنج سال به شرط تحمل حداقل دو ماه حبس

۵- محکومین به حبس کمتر از یک سال به شرط تحمل حداقل یک ماه حبس

تبصره: محکومین به حبس که باقی‌مانده حبس آنها کمتر از شش ماه باشد، مرخصی منتهی به آزادی اعطا می‌شود.

ب) زندانیانی که صرفا به‌دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی در حبس به‌سر می‌برند:

۱- محکومین به جزای نقدی که مقدار باقی‌مانده آن بیش از یکصد میلیون ریال باشد به شرط تحمل حداقل دو ماه حبس.

۲- محکومین به جزای نقدی که مقدار باقی‌مانده آن بیش از ۵۰ میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال باشد به شرط تحمل حداقل یک ماه حبس.

تبصره: محکومین به جزای نقدی که مقدار باقی‌مانده آن تا ۵۰ میلیون ریال باشد، مرخصی منتهی به آزادی اعطا می‌شود.

ج) محکومین جرائم غیرعمدی و محکومین مالی:

زندانیانی که به‌لحاظ عجز از پرداخت دیه در جرائم غیرعمد بازداشت هستند و همچنین دارندگان محکومیت‌های مالی، صرف‌نظر از مدت اقامت در زندان از مرخصی موضوع این بخش‌نامه برخوردار خواهند بود.

تبصره: در مورد محکومین موضوع این بند که دارای شاکی‌های متعدد می‌باشند، چنانچه محکومین در زمان بهره‌مندی از مرخصی یا تمدید آن موفق به اخذ رضایت برخی از شکات گردند، تمدید مجدد مرخصی به‌منظور اخذ رضایت از سایر شکات امکان‌پذیر خواهد بود.

د) مرتکبین جرائم ذیل از شمول این بخش‌نامه مستثنا خواهند بود:

محکومین جرائم سرقت‌های مسلحانه و مقرون به آزار، جاسوسی، اقدام علیه امنیت کشور، آدم‌ربائی، جرائم باندی و سازمان‌یافته، تجاوز به‌عنف، دایرکردن مراکز فساد و فحشا، اسیدپاشی، اخلال در نظام اقتصادی، قاچاق، ورود، تولید، توزیع و فروش مشروبات الکلی، محکومین به قصاص و اعدام و حدود شرعی، محکومین دارای سه سابقه محکومیت به ارتکاب همان جرم، محکومینی که به شرارت مشهورند، قاچاق مسلحانه یا عمده مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، قاچاق اسلحه، انسان و سایر محکومینی که اخلاق و رفتار آنها در زندان به‌گونه‌ای بوده که بنا به نظر دادستان یا قاضی ناظر زندان یا رئیس زندان یا شورای طبقه‌بندی شایستگی برخورداری از مرخصی را ندارند.

تبصره یک: درمورد سارقین دارای محکومیت بیش از یک‌سال و محکومین موادمخدری که میزان محکومیت آنان بیش از پنج سال باشد ترتیبی اتخاذ گردد هر ۴۸ ساعت یک بار خود را به مراجع انتظامی محل سکونت خویش معرفی نمایند.

تبصره دو: منظور از قاچاق عمده مواد مخدر و روان‌گردان‌ها عبارت است از:

۱- بیش از پنج کیلوگرم تریاک و ملحقات آن موضوع بند ۴ ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر.

۲- بیش از ۱۰۰ کیلوگرم تریاک و ملحقات آن موضوع بند ۶ ماده ۵ قانون مذکور.

۳- بیش از ۳۰ گرم هروئین و روان‌گردان‌ها و ملحقات آنها موضوع بند ۶ ماده ۸ قانون مذکور.

دادستان‌های سراسر کشور ملزم به اجرای این بخش‌نامه بوده و بر حسن اجرای آن نظارت خواهند نمود.

جزئیات تأیید صلاحیت‌ها از زبان سخنگوی شورای نگهبان:

زندگی هر داوطلب یک پرونده می‌شود

ادامه از صفحه ۶

این نمایندگان استانی جزء اشخاص معتمدی هستند که اطلاعات مربوط به اشخاصی که سال قبل نماینده بوده‌اند یا در مظان این قرار دارند که خودشان را کاندیدا کنند جمع‌آوری می‌کنند تا در آن مدت محدود بررسی صلاحیت‌ها، ما دست خالی نباشیم.

◣ یعنی پیش از اینکه شما اصلا بدانید که چه افرادی قرار است کاندیدا شوند شروع به جمع‌آوری اطلاعات درباره یکسری افراد می‌کنید؟

یکسری افراد قبلا کاندیدا شده و رأی نیاورده‌اند و ما می‌دانیم این احتمال هست که دوباره کاندیدا شوند. غالبا این‌جور افراد هستند. یا در مجامع قصد خود را برای کاندیداتوری اعلام کرده‌اند. درمورد این افراد اگر اطلاعات آشکار و عیانی وجود داشته باشد؛ مثلا راجع به مواضع سیاسی آنها درمورد قانون اساسی یا بقیه شروط مربوط به احراز صلاحیت، اظهارنظرهای عیانی کرده باشند؛ سخنرانی‌هایی کرده یا کتاب‌هایی نوشته باشند؛ اینها جزء اطلاعاتی است که می‌تواند به ما در احراز صلاحیت کمک کند و توسط نمایندگان استانی جمع‌آوری می‌شود. اینها در کنار اطلاعات مراجع چهارگانه قرار می‌گیرد و می‌شود یک پرونده. نمی‌شود گفت ما همیشه حرف این‌طرف را ترجیح می‌دهیم یا آن‌طرف؟ این اطلاعات ممکن است ضد و نقیض باشد. اینجاست که نقش مهمی بازی می‌کند.

◣ غیر از ناظران استانی چه نهادهای دیگری وجود دارند که شما از آنها استعلام می‌کنید؟

ناظران استانی هم ممکن است از نهادهای مختلف اطلاعاتشان را بگیرند. ممکن است از ادارات دولتی و جاهای دیگر اطلاعاتی تحصیل کنند و به ما منتقل کنند. اینجاست که باید شما در جریان رسیدگی دقت کنید. به نظر من که تا به حال هم در روند بررسی صلاحیت دخالت نداشته‌ام- این اولین انتخاباتی است که من به عنوان عضو حقوقدان شورای نگهبان در آن حضور دارم- علی‌القاعده باید درمورد اسناد و مدارکی که در پرونده‌ها وجود دارد، دقت کافی کرد. باید مواظب غرض‌ورزی‌ها بود. مواظب اعلامیه‌های بدون امضا و فضاسازی‌های خدای‌ناکرده برخی از کاندیداها در مورد همدیگر بود و براساس مستندات عینی داوری و اظهارنظر کرد. اینجا کار سخت است.

◣ آیا بسیج هم جزء نهادهایی هست که از آن استعلام می‌شود؟

من این احتمال را می‌دهم که همه این نهادها اگر اطلاعات مؤثقی داشته باشند در اختیار نمایندگان شورای نگهبان هم قرار بدهند. منتها این‌طور که از قانون انتخابات برمی‌آید حتی آن مراجع چهارگانه هم اظهارنظرهایشان باید مستند باشد. یعنی اظهارنظری که همین‌طور بگویدکه «بله؛ این داوطلب شرایط را ندارد» یا «دارد» کافی نیست. باید مستنداتشان را دقیقا ذکر کنند. به نظر می‌رسد کار اعضای شورای نگهبان در این بخش خیلی سخت خواهد بود. شما مجبورید مثل اعضای هیأت‌منصفه که دلایل له یا علیه یک نفر را سبک و سنگین می‌کنید؛ به قناعت وجدانی برسید.

◣ شما بحث مستندات را مطرح می‌کنید. مثلا اگر قرار باشد ناظران استانی شرح حالی از یک نفر ارسال کنند؛ این شرح حال تابع چه مستنداتی باید باشد؟ پرسش اصلی این است آیا این گزارشی که به شما تحویل داده می‌شود باید حتما همراه با مستنداتی باشد یا صرفا یک گزارش شرح حال‌گونه باشد؟ منظورم این است که ما تصوری از مستندبودن یک گزارش در ذهن داریم که مثلا همراه آن مستندات قضائی، سیاسی و... باشد.

برای مثال، اینها ممکن است یک وقت امضای معتمدین یک شهر را بیاورند که می‌گوید فلان‌کس در این شهر آدم خوشنامی نیست، سوءشهرت دارد و خدای‌ناکرده بدنام است. این یک مستند است. ممکن است کسی بگوید که، اطلاعاتی آورده که درمورد فردی در دادگستری اتهاماتی مطرح است؛ اما هنوز منتهی به صدور رأی نشده است. ما نمی‌توانیم به این، به عنوان یک محکومیت نگاه کنیم. اما اگر یک نفر آن‌قدر در دادگستری پرونده داشته باشد و آن‌قدر در یک شهر به خاطر مثلا یک فعالیت اقتصادی نامتعارف یا فعالیت در یک امر فرهنگی، شاکی داشته باشد که کسی وی را آدم خوش‌نامی نداند و خدای‌ناکرده اشتهار به فسق داشته باشد، ما این مستندات را جمع‌آوری کرده و مدنظر قرار می‌دهیم. ممکن است یک نفر سخنرانی‌ای کرده باشد یا در نشریات مطلبی نوشته باشد که مثلا صریحا حکایت از التزام‌نداشتن او به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، این یک مستند است؛ واژه مستند حتما یک کاغذ نیست. ممکن است یک سخنرانی داوطلب باشد.

◣ یعنی شما به گزارشی که مبتنی بر یک اظهارنظر صرف از سوی ناظر باشد اکتفا نمی‌کنید. حتما باید در کنارش مستندی وجود داشته باشد؟

من چون قاضی بوده‌ام و شخصا تربیت قضائی دارم، مسلما بر اظهارنظر یک طرف اکتفا نمی‌کنم. باید مجموعه‌ای از قرائن، اَمارات و نشانه‌ها وجود داشته باشد که هر فرد عادی و متعارف دیگری که آن را ببیند به یقین برسد یا اطمینان حاصل کند که انتصابی درست است.

◣ ما همراه با مجلس، انتخابات خبرگان را هم در پیش‌رو داریم. این بحث وجود دارد که تعدادی از اعضای خبرگان، عضو شورای نگهبان هم هستند یا برعکس. قبلا هم این تجربه بوده است که برخی اعضای شورای نگهبان، نامزد مجلس خبرگان هم بوده‌اند و ممکن است امسال هم نامزد بشوند. اتفاقی که می‌افتد این است که یک فرد، هم در نقش ناظر هم در نقش نامزد و هم در نقش رقیب ظاهر می‌شود. ممکن است به ذهن این‌گونه متبادر شود که کنارهم‌بودن این سه نقش، عدالت را زیر سؤال ببرد؟ آیا در این قضیه قانون سکوت کرده است؟ بحث قانونی این ماجرا چیست؟

درباره اینکه آیا ناظر خودش هم می‌تواند کاندیدا شود به نظر می‌رسد در قانون مربوط به انتخاب اعضای خبرگان که خود مجلس خبرگان تصویب کرده است؛ پیش‌بینی شده اعضای شورای نگهبان به اعتبار عضویت در این شورا کاندیدای مجلس خبرگان می‌شوند در آن حوزه حق اعمال نظارت ندارند؛ این قاعده را ما در بحث مربوط به مجلس خبرگان داریم. در جاهای دیگر مانند عضویت در هیأت نظارت قاعده صریحی نداریم، ولی این بحث می‌تواند وجود داشته باشد که آیا از مجموعه مقررات موجود می‌توانیم «ممنوعیت» یا عدم آن را استفاده کنیم؟ رویه عملی شورای نگهبان با انتخاب اعضایی که عضو شورای نگهبان هستند، این است که از مجموعه مقررات حاضر استفاده نمی‌شود که ممنوعیتی وجود داشته باشد. البته این نظر اکثریت شورای نگهبان است. خب، ممکن است نظر مخالفی هم باشد. من چون به‌عنوان سخنگو صحبت می‌کنم باید نظر اکثریت را منعکس کرده و خبر دهم. ان‌شاءالله اگر فرصتی پیش بیاید که من سخنگو نباشم و نظر فردی من را جویا شوند، آن‌وقت برداشتم را از قانون خواهم گفت. کاری که به‌عنوان یک عضو شورای نگهبان برای اجرای بهتر قانون از من ساخته است این است که با توجه به اینکه داوطلب هیچ‌کدام از این انتخابات‌ها نیستم، خودم را در معرض انتخاب به‌عنوان عضو هیأت مرکزی نظارت قرار بدهم تا آن‌گونه که خودم شخصا فکر می‌کنم به اجرای قانون کمک کرده باشم. بنابراین درباره انتخاب‌های شخصی خودم ترجیح می‌دهم در مقامی غیر از مقام سخنگویی توضیح دهم.

◣ این سؤال را به این دلیل پرسیدم که ناظر بر سؤال اول است. اظهارنظرهایی که برخی اعضای شورای نگهبان می‌کنند مبنی بر اینکه فردی که هم‌زمان ناظر، نامزد و رقیب است، درعین‌حال که ممکن است عدالت را زیر سؤال ببرد، شبهاتی را بین مردم به وجود می‌آورد. به این شبهات چگونه می‌توان پاسخ داد؟

به نظر می‌رسد شاید تنها عاملی که باعث اطمینان‌بخشی در این باره می‌شود تمرکز بر شخصیت افراد است. آن کسی را که داوطلب خبرگان و درعین‌حال عضو نهاد ناظر است، از نظر شخصیتی بررسی کنیم، ببینیم آیا در زندگی سیاسی و حرفه‌اش آدم عادلی بوده یا نه؟ اگر از او عدالت سراغ داریم و اگر در سابقه او تخطی از جاده انصاف نمی‌بینیم، این اطمینان حاصل می‌شود که او ملاحظات شخصی خودش را در آن فرایند دخالت نمی‌دهد. در نظام‌های حقوقی مختلف دو راه وجود دارد: یک، پیش‌بینی فرایندهای قانونی. مثل همین قاعده‌ای که درباره شورای نگهبان و در قانون مجلس خبرگان پیش‌بینی شده است. [این قانون] می‌گوید عضو شورای نگهبان اگر در مجلس خبرگان داوطلب نمایندگی باشد، حق نظارت بر حوزه خودش را ندارد. این یک قاعده حقوقی است. در برخی از کشورها ممکن است این پیش‌بینی [انجام] شود و به نظر من در یک قانون پیشرفته انتخابات که می‌توان پیش‌بینی کرد که اساسا کسانی که خودشان داوطلب نمایندگی هستند، در اجرا و نظارت دخالتی نکنند. این قاعده صریح را ما در قوانین خودمان نداریم. این یک راه حل عینی است و کار را راحت‌تر می‌کند. راه‌حل دیگر، اعتماد به شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی افراد است. برویم سراغ اشخاصی که گذشته آنها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی آنها نشان می‌دهد آدم‌های قابل اعتمادی هستند و انتخاب‌های شخصی و سیاسی خودشان را در کارشان دخالت نمی‌دهند.

◣ آیا فکر نمی‌کنید این یک مقدار کار را سخت می‌کند؟

به نظر می‌رسد همان‌طور که شما اشاره کردید تصویب سیاست‌های کلی و حرکت به سوی ارتقای مقررات انتخاباتی می‌تواند در این زمینه هم راه‌حل‌های روشن‌تر و قاطع‌تری ارائه دهد.

◣ بحث دیگر اینکه افرادی که در انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری تأیید صلاحیت می‌شوند، تعداد مشخص و خاصی هستند. یعنی در این سال‌ها از یک رقمی بیشتر یا کمتر نشده‌اند. آیا مهندسی خاصی پیش‌بینی شده که تعداد خاصی از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند؟ چرا اینها محدود هستند؟ مثلا ۴۰ یا ۵۰ نفر نیست؟ معمولا حداکثر هفت، هشت نفر هستند که در این دوره آخر از همیشه بیشتر بود. این تعداد مبنای خاصی دارد؟

من در انتخابات‌های قبلی و همچنین در انتخابات ریاست‌جمهوری، عضو شورای نگهبان نبوده‌ام و هیچ دخالتی در اجرا و نظارت آنها نداشته‌ام. بنابراین در این زمینه نمی‌توانم از جانب شورای نگهبان به شما خبری بدهم. منتها به‌نظر می‌رسد محدودبودن کاندیداهای ریاست‌جمهوری، مطابق با رفتارهای عادی است. همه جای دنیا شما نمی‌بینید که یک گروه بزرگ در معرض انتخاب مردم قرار بگیرند. معمولا در مورد ریاست‌جمهوری... .

◣ ولی در آنجا کانال یا فیلتری مانند شورای نگهبان وجود ندارد. افراد از جانب احزاب معمولا کاندیدا می‌شوند و تعداد آنها بستگی به تعداد احزاب یک کشور دارد.

یک فیلتر خودبه‌خودی پیش‌بینی شده و نتیجه آن این است که آنها مناسب نمی‌دانند ۳۰ یا ۴۰ نفر در معرض انتخاب‌شدن قرار گیرند. یک فیلتر پیش‌بینی کرده‌اند؛ فیلتر می‌تواند عملکرد احزاب یا انتخابات مقدماتی باشد. اینکه ما ۳۰ یا ۴۰ داوطلب داشته باشیم اصلا ایده خوبی نیست. منتها این یک سؤال مهم است که آیا به همین دلیل داوطلبانی که تأییدیه شورای نگهبان را می‌گیرند تعدادشان از هفت، هشت نفر بیشتر نمی‌شود؟ من فکر نمی‌کنم این‌طور باشد. ممکن است ما به انتخاب‌های شورای نگهبان نقدی داشته باشیم؛ بگوییم مثلا دو نفر دیگر قابل‌تأیید بودند اما شما تأیید نکردید. منتها این‌گونه نیست و قانون هم این را نمی‌گوید که شما کاری کنید که از این مجموعه‌ای که کاندیدا می‌شوند حتما مثلا پنج نفر یا ۱۰ نفر دربیاید. هرکس که شرایط مربوط به [کاندیداتوری در] انتخابات ریاست‌جمهوری را دارد و آن شرایط آنجا احراز می‌شود، می‌تواند کاندیدا باشد. در ایران این عدد می‌تواند به صد نفر هم برسد و هیچ محدودیتی از نظر حقوقی وجود ندارد.

شورای نگهبان اگر بخواهد؛ که می‌خواهد قانون را اجرا کند، نباید روی مسئله مربوط به تعداد توقف کند. آنچه که قانون معین کرده مسئله احراز صلاحیت‌ها است. اگر صلاحیت‌ها را احراز کرد تعداد هرچقدر باشد باید آن را اعلام کند. به نظر من این قاعده حقوقی است و قانون این را می‌گوید. تابه‌حال هم بنای شورای نگهبان بر همین بوده است. ممکن است یک نفر بگوید درمورد چند نفر دیگر هم انتقاد دارم؛ شما باید چند نفر دیگر هم به این فهرست اضافه می‌کردید؛ اما آنها [اعضای شورای نگهبان] در رأی‌گیری داخلی‌شان به این نتیجه نرسیده‌اند. به‌نظر می‌رسد این ایده که حالا که قانون حدّی معین نکرده، ما بخواهیم محدود کنیم؛ خلاف قانون است و شورای نگهبان هم از این ایده تبعیت نکرده است و نباید بکند.

◣ شما فرمودید در انتخابات قبلی ریاست‌جمهوری در شورای نگهبان حضور نداشتید و دو سال است که به این مجموعه اضافه شده‌اید. اما حداقل خروجی‌ها نشان می‌دهد که افراد از بین جریان‌های سیاسی اصلی با سهمیه‌ای البته متفاوت انتخاب شده‌اند. این سهمیه‌بندی به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد یا اینکه خود اعضا این مهندسی را لحاظ می‌کنند؟

به نظر من قانون این را نمی‌گوید؛ بلکه عملکرد خودبه‌خودی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی است که منجر به چنین نتیجه‌ای می‌شود. مثلا در کشور ما ممکن است یکسری جریان عمده سیاسی وجود داشته باشد و هرکدام از اینها چند کاندیدا معرفی می‌کنند. بنابراین خودبه‌خود بدون اینکه شورای نگهبان هم بخواهد؛ اگر قرار باشد از هرکدام از اینها چند نفری را احراز صلاحیت کند؛ از تمام سلیقه‌های سیاسی کاندیدا وجود خواهد داشت.

شاید کم اتفاق افتاده که ما فقط از یک جریان سیاسی کاندیدا داشته باشیم. علتش هم این است که جریانات سیاسی داخل نظام که کاندیدا معرفی می‌کنند معمولا اشخاص واجد شرایط برای انتخاب ریاست جمهوری در لیست احزاب و گروه‌ها و سلیقه‌های سیاسی خودشان به اندازه کافی دارند. این است که باعث می‌شود شما از همه گرایش‌های سیاسی کاندیدای ریاست‌جمهوری داشته باشید. چهار یا هشت سال از یک جریان، چهار یا هشت سال دیگر از یک جریان دیگری انتخاب خواهد شد. به نظرم این خوب است. تنوع سلیقه‌های سیاسی که در کشور وجود دارد، باعث می‌شود که ما کاندیداها را از همه سلیقه‌ها داشته باشیم. این امر میمون و مبارکی است. با اینکه ما حزب به معنای واقعی کلمه و قانون احزاب پیشرفته نداریم؛ اما این جریانات سیاسی مقداری از کارکرد احزاب را تأمین می‌کنند.

نکته

یکسری افراد قبلا کاندیدا شده و رأی نیاورده‌اند و ما می‌دانیم این احتمال هست که دوباره کاندیدا شوند. غالبا این‌جور افراد هستند. یا در مجامع قصد خود را برای کاندیداتوری اعلام کرده‌اند

منهای پایتخت

مشاور ارشد وزیر کشور با حفظ سمت سرپرست استانداری قم شد

● **شرق:** «سیدرضا علیزاده‌طباطبایی»، مدیرکل روابط‌عمومی استانداری قم، گفت: «در پی استعفای حجت‌الاسلام والمسلمین صالحی‌منش و پذیرش آن از سوی وزیر کشور، فریدون همتی به عنوان سرپرست استانداری قم منصوب شد». او که با «تسنیم» گفت‌وگو کرده، افزود: «نظر دولت بر این بود که پس از استعفای استاندار قم، به سرعت برای استانداری قم سرپرستی معرفی کند تا امور شهر کریمه اهل بیت (س) با وقفه روبه‌رو نشود و اکنون نیز با حکم وزیر کشور، آقای همتی معرفی شده است که فرد باتجربه‌ای است و ان‌شاءالله در قم منشأ خیرات و برکات زیادی می‌شود». حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق صالحی‌منش، استاندار سابق قم، به‌منظور نامزدی در انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی از سمت خود استعفا داد. «فریدون همتی»، متولد سال ۱۳۳۹ ایلام است و اکنون دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی دانشگاه شهید بهشتی است. او سابقه حضور در صداوسیمای آذربایجان غربی را دارد. همتی بعد از چندی از صداوسیما استعفا داد و برای رقابت انتخاباتی راهی دیارش «ایلام» شد و نمایندگی ایلام را در دوره هفتم مجلس به دست آورد. «همتی» در دوره هشتم و بعد از اینکه از راهیابی به مجلس بازماند به دعوت «عبدالرضا رحمانی فضلی»، معاون سیاسی سابق صداوسیما که رئیس دیوان محاسبات شده بود، مسئولیت معاونت این نهاد را عهده‌دار شد. پیش از این، او در سمت‌هایی، مانند «مدیر کل صداوسیما در مراکز ایلام، لرستان و آذربایجان غربی»، «نماینده مجلس هفتم از حوزه انتخابیه ایلام»، «مسئول امور استان‌های دیوان محاسبات کشور» و «معاون حقوقی و پارلمانی دیوان محاسبات کشور» فعالیت داشته است. بعد از روی‌کارآمدن دولت یازدهم و وزیر کشور شدن رحمانی فضلی، گمانه‌زنی‌های زیادی درباره «فریدون همتی» صورت گرفت، به‌طوری‌که برخی رسانه‌ها، حکم استانداری آذربایجان غربی برای همتی را قطعی می‌دانستند، اما چنین نشد و او به عنوان مشاور وزیر کشور مشغول به کار شد. وزیر کشور در حکم «فریدون همتی» آورده است: «به موجب این حکم جناب‌عالی را با حفظ سمت به عنوان سرپرست استانداری قم منصوب می‌نمایم. توفیق شما را در انجام وظایف و امور محوله از درگاه خداوند متعال خواستارم».